دوشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۴۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ارتفاع بازدارندگی با گزینه‌های غافل‌گیرکننده در راه است؟

پالس مهم سیدحسن

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

چندسالی است که در گوشه‌کنار فضای سیاسی نجواهایی درمورد الزامی بودن حرکت به سمت هسته‌ای شدن مطرح می‌شود. اخیرا نیز سیدحسن خمینی در یک برنامه تلویزیونی طی اظهاراتی بالابردن سطح بازدارندگی را الزامی دانسته است. او در این باره می‌گوید: «بازدارندگی نظامی ما باید یک سطح بالاتر برود امروز دنیا به شرایطی رسیده که لازم است بازدارندگی ما قوی‌تر شود.» این اظهارات در فضای رسانه‌ای این برداشت را به وجود آورده است که سیدحسن خمینی تلویحا حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را لازمه بازدارندگی دانسته است. زمزمه‌های ساخت سلاح هسته‌ای که پیش از این کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی با کلیدواژه احتمال تغییر دکترین هسته‌ای مطرح کرده بود اکنون در فضای سیاسی به قدری پیچیده است که بعضا چهره‌هایی همچون سیدحسن خمینی که رویکرد میانه‌تری در روابط خارجی دارند آن را به زبان‌های مختلف مطرح می‌کنند. فارغ از اینکه بخواهیم برای افزایش توان تسلیحاتی کشور نسخه‌ای بپیچیم اما باید این گزاره‌های سیاسی را کمی با داده‌های موجود نیز تطبیق دهیم. تنها چیزی که با قطعیت می‌توان گفت این است که با توجه به وضعیت امنیتی که برخی دارندگان سلاح هسته‌ای به آن دچارند صرفا داشتن توانایی هسته‌ای یا حتی ساخت سلاح هسته‌ای برای ایران، به‌تنهایی کافی نخواهد بود. همان‌طور که مثال‌های رژیم صهیونیستی و کشورهای دیگر نشان داده است برای دستیابی به بازدارندگی کامل باید به همه جنبه‌ها از جمله «نیروهای نظامی متعارف، قابلیت‌های نامتقارن، قدرت دیپلماتیک و ثبات اقتصادی و سیاسی» توجه شود.

استدلال بازدارندگی براساس دکترین «تخریب حتمی متقابل» مطرح شد

کشورهای دارنده سلاح اتمی با این استدلال که این سلاح با ایجاد مفهوم «بازدارندگی هسته‌ای»، از حمله نظامی به کشور دارنده جلوگیری می‌کند داشتن این سلاح را توجیه می‌کنند. این بازدارندگی بر پایه دکترین «تخریب حتمی متقابل» استوار است. این مفهوم به معنای آن است که هرگونه حمله هسته‌ای به یک کشور مسلح به بمب اتم منجر به پاسخ هسته‌ای گسترده و مخرب از سوی آن کشور خواهد شد که نتیجه آن نابودی هر دو طرف است. به بیان دیگر کشوری که دارای سلاح‌های هسته‌ای است به دشمنان بالقوه پیام می‌دهد که هرگونه حمله به آن می‌تواند به نابودی کامل مهاجم منجر شود. این تهدید بازدارنده باعث می‌شود کشورهایی که قصد حمله دارند، دوباره درباره عواقب چنین تصمیمی فکر کنند. در طول جنگ سرد بین ایالات متحده و شوروی سابق هر دو کشور به دلیل برخورداری از حجم عظیمی از سلاح‌های هسته‌ای از حمله مستقیم به یکدیگر خودداری کردند زیرا می‌دانستند که جنگ هسته‌ای پایان‌پذیر نیست و به نابودی هر دو طرف منجر می‌شود. قدرت تخریبی بسیار بالای سلاح‌های هسته‌ای باعث می‌شود هرگونه استفاده از آن منجر به تلفات عظیم انسانی و ویرانی غیرقابل جبران شود. همچنین کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به سیستم‌های موشکی پیشرفته دسترسی دارند که می‌توانند در مدت زمان کوتاهی پاسخ متقابل دهند، مانند موشک‌های بالستیک قاره‌پیما یا زیردریایی‌های حامل موشک‌های هسته‌ای. درحال حاضر ۹ کشور در جهان به‌طور رسمی سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارند. براساس آمار worldpopulationreview، ایالات متحده با ۶۲۵۷، روسیه با ۵۵۵۰، چین با ۳۵۰، فرانسه با ۲۹۰، انگلستان با ۲۲۵، پاکستان با ۱۶۵، هند با ۱۵۶، رژیم صهیونیستی با ۹۰ و کره شمالی با ۵۰ سلاح هسته‌ای کشورها و رژیم‌هایی با بیشترین تسلیحات هسته‌ای در سال ۲۰۲۴ هستند. کشورهایی که سلاح هسته‌ای ندارند اما به‌طور گسترده‌ای باور بر این است که توانایی ساخت آن را دارند شامل ژاپن، آلمان و کره جنوبی‌اند. این کشورها دانش و زیرساخت لازم برای تولید سلاح هسته‌ای را دارند و در صورت تصمیم‌گیری سیاسی می‌توانند به‌سرعت چنین سلاح‌هایی تولید کنند اما تاکنون به دلایل مختلف از این کار خودداری کرده‌اند.

مثال‌های نقض ایده بازدارندگی تک‌بعدی

چندین کشور که باوجود داشتن سلاح هسته‌ای نتوانسته‌اند به بازدارندگی کاملا مؤثر دست یابند. این امر به دلایل مختلفی مانند شرایط داخلی، سیاست‌های منطقه‌ای یا تهدیدات خاصی که با آن مواجه‌اند، بستگی دارد. کره شمالی در دهه‌های اخیر توانسته به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد و آنها را به‌عنوان ابزار بازدارندگی در برابر تهدیدات نظامی خارجی، به‌ویژه از سوی آمریکا و کره جنوبی معرفی کند. با این حال بازدارندگی کره شمالی با چالش‌های زیادی روبه‌روست. کره شمالی از سوی جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کشور بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی تلقی می‌شود که این موضوع می‌تواند بازدارندگی این کشور را تضعیف کند، زیرا مخالفان آن معتقدند که می‌توانند بدون استفاده از نیروی نظامی مستقیم، کره شمالی را از طریق دیگر ابزارها مانند تحریم‌ها و فشار دیپلماتیک تضعیف کنند. پاکستان و هند نیز باوجود داشتن سلاح‌های هسته‌ای به بازدارندگی کامل نرسیده‌اند. پاکستان و هند هر دو سلاح هسته‌ای دارند اما این امر از درگیری‌های نظامی میان آنها جلوگیری نکرده است. پاکستان همچنین با تهدیدات تروریستی داخلی و ناامنی در مناطق مرزی به‌ویژه از سوی گروه‌های شبه‌نظامی روبه‌روست که این تهدیدات اغلب از سوی نیروی هسته‌ای مهار نمی‌شود. بازدارندگی هسته‌ای هند نیز نتوانسته مانع درگیری‌های مرزی با چین و پاکستان شود. برای مثال، تنش‌های مرزی اخیر با چین در منطقه لاداخ و درگیری‌های دوره‌ای با پاکستان نشان می‌دهد که تهدید هسته‌ای از وقوع درگیری‌های متعارف جلوگیری نکرده است. آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید به‌طور مخفیانه چندین سلاح هسته‌ای تولید کرد اما به دلایل داخلی و بین‌المللی این کشور در سال ۱۹۸۹ تصمیم به نابود کردن زرادخانه هسته‌ای خود گرفت. تجربه آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که حتی با وجود سلاح‌های هسته‌ای، بازدارندگی کافی وجود نداشت. سیاست آپارتاید و اقدامات نظامی این کشور در جنوب آفریقا منجر به انزوای بین‌المللی و فشار اقتصادی شدید از سوی جامعه جهانی شد، به‌طوری‌که سلاح هسته‌ای نتوانست از این فشارها جلوگیری کند. این موارد اگرچه بی‌اثر بودن سلاح هسته‌ای در کنترل تنش‌های سیاسی و نظامی را نشان نمی‌دهد اما اثبات می‌کند که صرفا داشتن سلاح هسته‌ای به‌تنهایی تضمینی برای ایجاد بازدارندگی مؤثر نیست، زیرا بازدارندگی به عوامل متعدد و پیچیده‌ای بستگی دارد که صرفا به داشتن سلاح‌های هسته‌ای محدود نمی‌شود.

طبیعت پیچیده تهدیدات امنیتی کارآمدی ایده بازدارندگی با سلاح هسته‌ای را کاهش می‌دهد

بازدارندگی هسته‌ای عمدتا در برابر تهدیدهای دولت‌محور و کلاسیک کارآمد است، جایی که دو دولت ممکن است به دلیل ترس از پاسخ هسته‌ای از حمله نظامی گسترده به یکدیگر اجتناب کنند. اما بسیاری از تهدیدات امروزی از سوی گروه‌های غیردولتی، تروریستی یا حتی حملات سایبری‌اند که با تهدید هسته‌ای قابل مهار نیستند. سلاح‌های هسته‌ای نمی‌توانند به‌طور مؤثر علیه گروه‌هایی مانند داعش استفاده کنند؛ چراکه این گروه‌ها به‌طور غیرمستقیم توسط دولت‌هایی همچون رژیم صهیونیستی کنترل می‌شوند و فعالیت‌های آنان به دلیل ماهیت غیرمتمرکز و غیرمتعارف‌شان خارج از دامنه تهدیدات هسته‌ای است. با استدلالی مشابه می‌توان گفت در مقابله با تهدیدات سایبری نیز، استفاده از سلاح هسته‌ای نه ممکن است و نه منطقی. این نوع تهدیدها غالبا به دلیل عدم وابستگی به سرزمین مشخص یا جمعیت متمرکز از دایره تأثیر بازدارندگی هسته‌ای خارج می‌شوند. سلاح‌های هسته‌ای همچنین به دلیل قدرت تخریب عظیم و آثار ویرانگر انسانی و محیط زیستی، احتمالا به خود کشور استفاده‌کننده نیز آسیب وارد می‌کنند و تهدیدی تلقی می‌شوند لذا استفاده از آنها به شدت محدود به شرایط خاص و نادر است. درگیری‌های کوچک یا تهدیدات غیرمتعارف مانند حملات نیابتی، تحریم‌های اقتصادی یا فشارهای دیپلماتیک، استفاده از سلاح هسته‌ای را غیرمنطقی و غیرممکن می‌کند. استفاده از سلاح هسته‌ای نه‌تنها ممکن است بازدارندگی ایجاد نکند بلکه می‌تواند به واکنش‌های شدید بین‌المللی و تحریم‌های سنگین منجر شود. به‌عنوان مثال، یک حمله هسته‌ای از سوی یک کشور ممکن است منجر به انزوای بین‌المللی شدید و واکنش نظامی همگانی علیه آن کشور شود. البته این مسئله ممکن است به دلیل نفوذ کشورهای غربی در سازمان‌های بین‌المللی برای آنها کمتر چالش‌برانگیز باشد اما برای کشوری همچون ایران که تحت فشار و تمرکز شدیدند این چالش را نمی‌توان نادیده گرفت. البته درمورد کشورهای غربی نیز استفاده از سلاح اتمی موجی از واکنش‌های منفی افکار عمومی را در پی خواهد داشت که قدرت نرم آنها را کاسته و اثرگذاری اجتماعی‌شان را به‌تدریج از بین می‌برد.

ابزارهای نظامی فعلی دست ایران را برای بازدارندگی نظامی پر کرده است

برای رسیدن به «بازدارندگی مؤثر»، ایران باید مجموعه‌ای از الزامات نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی را رعایت کند که تنها به توانایی هسته‌ای محدود نمی‌شود. بازدارندگی یک مفهوم چندبعدی است که در آن کشورها باید به ترکیبی از قابلیت‌های نظامی و غیربازدارنده توجه کرده تا تهدیدات بالقوه را مدیریت کنند. ایران باید نیروی نظامی خود را در همه حوزه‌ها تقویت کرده تا بتواند تهدیدهای نظامی مختلف را مدیریت کند. ایران تاکنون سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی در توسعه موشک‌های بالستیک و کروز کرده است. توانایی در رسیدن به اهداف دوربرد می‌تواند در ایجاد بازدارندگی مؤثر نقش داشته باشد. سیستم‌های موشکی قوی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی بازدارندگی متعارف در نظر گرفته می‌شوند. نیروی دریایی قوی به‌ویژه در خلیج فارس و تنگه هرمز نقش مهمی در کنترل خطوط کشتیرانی و جلوگیری از اقدامات نظامی بالقوه دارد. پدافند هوایی پیشرفته و یکپارچه می‌تواند تهدیدهای هوایی از سوی دشمنان را کاهش داده و بازدارندگی بیشتری ایجاد کند. ایران برای ایجاد بازدارندگی در مقابل تهدیدهای امنیتی که از جانب آمریکا و متحدان منطقه‌ای خود احساس می‌کند علاوه‌بر به‌روزرسانی تسلیحات نظامی خود از قابلیت‌های نامتقارن برای بازدارندگی در برابر تهدیدات فراتر از نیروهای متعارف استفاده می‌کند. به‌طور مثال ایران در سال‌های اخیر توانایی‌های قابل‌توجهی در زمینه جنگ سایبری ایجاد کرده است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری نامتقارن برای ایجاد بازدارندگی در مقابل حملات استفاده شود. درمورد سلاح هسته‌ای نیز برخی تحلیلگران بدون اینکه به ساخت سلاح اتمی توصیه کنند معتقدند ایران باید بتواند تهدید «توانایی هسته‌ای بالقوه» را حفظ کند، بدون اینکه الزاما بخواهد به‌صورت کامل وارد حوزه ساخت سلاح هسته‌ای شود.

به دیگر مؤلفه‌های بازدارندگی هم توجه شود

برای حفظ بازدارندگی پایدار ایران باید در کنار تقویت نظامی به دیپلماسی فعال هم توجه کند. همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و مدیریت روابط دیپلماتیک می‌تواند ایران را در موقعیت قوی‌تری در منطقه قرار دهد. برای مثال روابط با روسیه و چین و تعاملات در چهارچوب‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگهای می‌توانند قدرت دیپلماتیک ایران را افزایش دهند. بازدارندگی همچنین نیازمند یک اقتصاد قوی و پایدار است. بدون اقتصادی مقاوم کشور نمی‌تواند منابع کافی برای حمایت از قدرت نظامی خود داشته باشد به‌ویژه در شرایط تحریم‌های اقتصادی ایران باید راه‌هایی برای تقویت اقتصاد داخلی و کاهش وابستگی به صادرات نفت پیدا کند تا تحت فشارهای اقتصادی بین‌المللی ناتوان نشود. علاوه‌بر این موارد ایران باید بتواند پایداری سیاسی داخلی را حفظ کند و از پشتیبانی مردم برای سیاست‌های خود برخوردار باشد. اگر دولت در داخل سرمایه اجتماعی نداشته باشد بازدارندگی خارجی آن نیز ضعیف خواهد شد.

غرب بعد از نتیجه نگرفتن از عملیات نظامی می‌خواهد سراغ یک ایده تکراری برود

پول‌پاشی بین ورشکسته‌های ۱۴۰۱

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

برای فهم سردرگمی و بهت صهیونیست‌ها بعد از عملیات وعده صادق۲ یا دیگر شکست‌های رژیم، کافی است نگاهی به شبکه ایران اینترنشنال بیندازید. خط و مشی این رسانه فارسی‌زبان آنقدر برمبنای خواست و دستور کارفرمای صهیونیستی تنظیم شده است که حتی نمود احوالات صهیونیست‌ها در شکست و ضعف آنها در میدان را در پرداخت به اخبار این شبکه می‌توان مشاهده کرد. حالا بعد از ضربه‌ای که رژیم در عملیات وعده صادق۲ خورد، دوباره رسانه‌های فارسی‌زبان به خط شده و بودجه‌ای مضاعف در اختیار آنها قرار گرفته است. این را می‌توان از بازگشت دوباره شبکه صهیونیستی منوتو و فراخوان دوباره اینترنشنال برای جذب نیرو متوجه شد؛ امری که نشان می‌دهد صهیونیست‌ها تلاش دارند برای مقابله با ایران، روی روان افکار عمومی راه بروند و بازهم پروژه ۱۴۰۱ را تکرار کنند.

ترکش شکست پروژه آشوب ۱۴۰۱ دامن منوتو را گرفت

واقعیت‌نمایی اتفاقاتی که وجود خارجی نداشتند، برساخت رسانه‌ای آنها و تعدد انتشار این اخبار دروغ، کاری بود که رسانه‌های فارسی‌زبان آن را در جریان ناآرامی‌های ۱۴۰۱ دنبال کردند. شدت انتشار این اخبار دروغ گاهی آنقدر زیاد بود که حتی فرصت تکذیب یک خبر با خبر دیگر از دست رفته تلقی می‌شد. رسانه‌های فارسی‌زبان توانسته بودند روایت اول را در اختیار بگیرند و از این طریق توجه افکارعمومی را به خود جلب کردند. باگذر از حجم ناآرامی‌ها و البته اثبات این موضوع به افکار عمومی که بخش زیادی از اخبار واقعیت نداشتند، باعث شد تا افکارعمومی داخل ایران آنها را پس بزنند. رسانه‌های فارسی‌زبان و برانداز اما این کار را با حمایت مالی گسترده کارفرماهای آمریکایی البته صهیونیستی انجام می‌دادند. این شکست باعث شد حمایت‌های آنها کاهش محسوسی پیدا کند. تعطیلی برخی برنامه‌های اینترنشنال، خداحافظی مجری‌های تلویزیونی مثل پوریا زراعتی و سیما ثابت، تعطیلی دفتر اینترنشنال در لندن و انتقال آن به آمریکا را می‌توان از پیامدهای شکست پروژه آشوب در ایران دانست. ترکش قطع شدن حمایت‌های مالی اما بیش از همه دامان منوتو را گرفت؛ شبکه‌ای که با پوشش سرگرمی آغاز به کار کرد اما در جریان اتفاقات ۱۴۰۱ محتوای سیاسی منتشر کرد و از پوشش اولیه فاصله گرفت. منوتو در میانه جنگ غزه و دردسر رژیم در بهمن ماه سال گذشته تعطیل شد.

تکرار پلن شکست‌خورده ۱۴۰۱؟

پنجم مهرماه، رضا پهلوی در اجلاس صهیونیستی در واشنگتن حضور پیدا کرد. حضوری که فارغ از ابراز وابستگی او به رژیم، یکی از هدف‌های اصلی آن به جز خوش‌رقصی برای صهیونیست‌ها، جذب بودجه و البته معرفی خود به‌عنوان تنها کسی بود که می‌تواند در فردای براندازی، اهداف رژیم را محقق کند. تقریبا دوهفته بعد از این حضور و دفاع مشروع ایران، کیوان عباسی، مدیر شبکه سلطنت‌طلب منوتو از بازگشت دوباره این شبکه خبر داد و البته مدعی شد که فعالیت این شبکه به صورت مستقل شروع خواهد شد. بازگشت منوتو تنها یک سمت ماجرا بود. اینترنشنال هم فراخوانی برای جذب نیرو صادر کرده است و مدام از تحولات سرزمین‌های اشغالی اخبار زنده پخش می‌کند. تغییر رفتارهای رسانه‌های فارسی‌زبان نشان می‌دهد بودجه جدیدی در راه است، به‌نظر می‌رسد صهیونیست‌ها برای مقابله با ایران روی جنگ روانی و فشار به افکارعمومی ایران حساب باز کرده‌اند و باز هم دنبال احیای پروژه آشوب ۱۴۰۱ هستند.

دعوای سهم‌خواهی برای بودجه بیشتر دوباره بالا می‌گیرد؟

بعد از دفاع مشروع ایران در سرزمین‌های اشغالی، رضا پهلوی به امید اینکه قرار است اسرائیلی‌ها رؤیای سان دیدنش مقابل ارتش را محقق کنند، کنار آنها قرار گرفته و در پیامی با ادبیاتی شبیه به نتانیاهو مدعی شد که اقدامات اسرائیل و حمله و عملیات‌هایی که علیه ایران انجام می‌دهد، به خاطر مقابله با نظام حکمرانی ایران است. البته در یکی دو روز اخیر، این موضع‌گیری او انتقادات براندازان خارج‌نشین را به همراه داشت و آنها حمایت از رژیم صهیونیستی را که بزرگ‌ترین جنایات بشری را مرتکب شد، محکوم کردند. برخی از چهره‌های اپوزیسیون مثل حامد اسماعیلیون نیز در یادداشتی تلاش کرد تا این طور القا کند که در درگیری میان صهیونیست‌ها و ایران نباید کنار هیچ‌کدام قرار گرفت و مردم ایران باید راه خود را از این دو جدا کنند. موضع‌گیری‌های اخیر براندازها چند نکته را مورد توجه قرار می‌دهد؛ سرازیر شدن دوباره بودجه به سمت رسانه‌های فارسی‌زبان، باردیگر بازار رقابت و کشمکش میان براندازها برای دریافت بودجه بیشتر را داغ می‌کند. احتمال اینکه بازهم دعوا و اختلاف میان براندازها بالا بگیرد، بیشتر هم می‌شود. کمااینکه این فضای رقابتی در اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ هم باب رقابت و دعوا میان آنها را داغ کرد. صهیونیست‌ها با تصور اجرای دوباره پروژه ۱۴۰۱ بار دیگر به دنبال تقویت رسانه‌های رژیم صهیونیستی‌اند. اما نکته‌ای که به‌نظر می‌رسد در این رابطه چندان مورد توجه آنها قرار نگرفته این است که بعد از گذر از اتفاقات ۱۴۰۱ تقریبا هیچ‌کدام از این رسانه‌ها اصطلاحا سفید نیستند و برای افکار عمومی خط و ربط آنها روشن شده و آنها نیز تلاش نمی‌کنند تا این خط را پنهان کنند. با این تصویر چالش اصلی این رسانه‌ها مخاطبی است که به آنها اعتماد کند. در سایه نبود مخاطب، فعالیت آنها اثرگذار نخواهد بود. نکته دیگر آنکه بخش زیادی از پرداخت رسانه‌ای این شبکه‌ها و روش‌هایی که برای انتشار فیک‌نیوزها داشتند هم برای مخاطب رو شده است. آنچه منجر شد بخشی از فیک‌نیوزهای این رسانه‌ها مورد توجه افکار عمومی قرار بگیرد، عدم شناخت مردم از روش‌هایی بود که آنها برای فریب افکار عمومی از آن استفاده می‌کردند، اما حالا با گذشت دوسال از ناآرامی‌های ۱۴۰۱ می‌توان گفت فضای اجتماعی ایران تغییر و تحولات زیادی به خود دیده است و از همه مهم‌تر آنکه براندازها و رسانه‌های وابسته حتی در میان براندازان خارج‌نشین نیز اعتباری ندارند و این موضوع در مورد افکارعمومی داخل ایران، ضریبی دوچندان پیدا کرده است.

مرجعیت رسانه‌ای را در دست بگیرید

اگرچه با وضعیتی که رسانه‌های فارسی‌زبان در میان افکار عمومی دارند احتمال تأثیرگذاری پروژه صهیونیست‌ها کاهش پیدا می‌کند اما باید توجه داشت که در مواجهه با اتفاقات و رویدادهایی که در منطقه و ایران اتفاق می‌افتد، روایت اول، نقش مؤثری در توجه مخاطب دارد؛ اتفاقی که در جریان ناآرامی‌های ۱۴۰۱ منجر شد تا رسانه‌های فارسی‌زبان توجه مخاطب را به خود جلب کنند و روایت آنها بتواند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. حالا و در شرایطی که بحران در منطقه به اوج خود رسیده و صهیونیست‌ها نیز تهدیداتی را علیه ایران مطرح می‌کنند، ارائه روایت دقیق از آنچه در جنگ و موضع‌گیری‌های صهیونیست‌ها اتفاق افتاد، می‌تواند تا حد زیادی در مرجعیت یافتن رسانه‌های فارسی‌زبان، مؤثر باشد. یک سمت اصلی بحرانی که در منطقه در جریان است، جنگ روانی است که صهیونیست‌ها علیه افکارعمومی مردم ایران به راه انداختند. براین اساس ضمن توجه به حفظ بازدارندگی ایران، می‌بایست جنگ روانی صهیونیست‌ها را نیز جدی گرفت. برای خنثی کردن تلاش‌های آنها می‌بایست مرجعیت رسانه‌ای را به داخل برگرداند. در این مسیر رسانه ملی با توجه به امکانات، ابزارها و دسترسی‌ای که به مخاطب دارد می‌تواند نقش مؤثری در بازگرداندن این مرجعیت رسانه‌ای و همراه کردن مخاطب با خود داشته باشد. باید توجه داشت که در پوشش اخبار و روایت اتفاقات جنگ باید چند مؤلفه را مورد توجه قرار داد. مخاطب با توجه به دسترسی‌ای که به فضای مجازی دارد، احتمال خواندن و مطالعه اخبار فیک و جعلی را دارد، علاوه‌براین اطلاعات نیز به سرعت در اختیار او قرار می‌گیرد. به همین منظور برای در اختیار گرفتن مرجعیت رسانه‌ای اصل اول و اساسی، سرعت ارائه اطلاعات دقیق و جزئی و بدون اشتباه به مخاطب است و نکته دیگر آنکه با توجه به اینکه بخش زیادی از اطلاعات اولیه از طریق فضای مجازی در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد، بیان دوباره همان اخبار اولیه، چندان برای مخاطب جذاب نیست و در این مسیر، مواجهه با اخبار فیک و جعلی و اثبات جعلی بودن آن برای مخاطب می‌تواند رسانه را محل رجوع افکارعمومی کند.

وفاق ایجادشده را حفظ کنید

جنگ روانی و به راه انداختن پروژه آشوب از تقویت شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی در یک جامعه مؤثر می‌افتد؛ موضوعی که رسانه‌های فارسی‌زبان با اجرا کردن آن توانستند بخشی از پروژه خود را اجرایی کنند. مشخص است که برای مقابله با این جنگ روانی و جلوگیری از دودسته شدن جامعه و تعمیق شکاف‌های اجتماعی می‌بایست بر نقطه‌های وحدت جامعه تأکید کرد. در جامعه ایرانی در مدت اخیر و باتوجه به رویدادهایی که در فضای سیاسی و اجتماعی رخ داده، به‌نظر می‌رسد کمی از شکاف‌های اجتماعی کمرنگ شده است. برگزاری نمازجمعه به امامت رهبرانقلاب را می‌توان یکی از اتفاقاتی دانست که چهره‌ای از وفاق را در جامعه ایران ایجاد کرده است. حضور بیشتر چهره‌ها و شخصیت‌هایی که پیش از این حتی مدتی هم در زندان بودند، این تصویر را ایجاد کرد که جامعه ایرانی در شرایطی که احساس کند تهدیدی خارجی کشور را تهدید می‌کند، اختلافات و تفاوت سلیقه‌ها را کنار می‌زند و اصل را براتحاد قرار می‌دهد. نمازجمعه هفته گذشته منجر شد تا جامعه ایرانی، وفاق نسبی را تجربه کند. در حال حاضر بهترین اقدامی که می‌توان انجام داد، نگهداری و حفظ این وفاق ملی و جلوگیری از خدشه وارد شدن به آن است. در این شرایط نباید اجازه داد تا جامعه ایرانی در فضایی شکننده همانند ۱۴۰۱ قرار گیرد تا آسیب‌پذیر شود. افتادن در دام تکرار اشتباه‌ها در حوزه سیاسی و اجتماعی، مانند ۱۴۰۱ می‌تواند جامعه ایرانی را در مقابل جنگ روانی دشمن آسیب‌پذیر کند.